

## گفتار سردیبر

ادبیات تطبیقی اصیل، پژوهش‌های پاک پژوهشگرانی است که در جستجوی «پیوند» و «تعامل» فکری - فرهنگی با دیگر ملت‌ها و تمدن‌ها هستند؛ تاریخ این دانش نوین در سرزمین ما با فرازها و فرودهای گوناگونی همراه بوده است؛ اما آن گونه که متخصصان این رشته در آرزو و جستجوی آن بوده‌اند به سرمنزل مقصود نرسیده است و به سخن شاعر: «گاهی نمی‌شود که نمی‌شود که نمی‌شود».

به نظر می‌رسد، «عمق بحران ادبیات تطبیقی در ایران [تنها] در ناآشنایی یا بدفهمی با نظریه‌های ادبیات تطبیقی» (انوشیروانی، ۱۳۹۳: ۵) محدود و خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در فهم نادرست بسیاری از تطبیق‌گران از «هدف‌ها» و «آرمان‌های» این دانش نیز ملاحظه می‌شود؛ در حقیقت، جهان ادبیات تطبیقی، جهانی «روشنمند» و «نظام‌محور» است که به دنبال یک هدف و استراتژی ژرف و بنیادین؛ یعنی «شناخت خود و دیگران» در پرتو «تعامل و دوستی» برابر و عادلانه است؛ چراکه «باور به برتری فرهنگی بخشی از سیاست امپریالیسم [بوده و هست]» (باسنت، ۱۳۹۳: ۱۸)؛ لذا، کاربست نظریه‌های معروف و موجود این دانش، بدون توجه به این هدف و غایت، کاری بیهوده و بی‌سرانجام است. براساس چنین پیش‌فرضی می‌توانیم بگوییم: رشد و شکوفایی ادبیات تطبیقی در ایران، با تأمل در این دو واژه «نظام‌مندی» و «هدف‌مندی» محقق می‌شود. نظام‌مندی با اهتمام به اصلاح ساختارهای آموزشی و پژوهشی خاص این رشته ممکن می‌شود و هدف‌مندی با فهم ژرف و درست از هدف‌ها و آرمان‌های آن میسر می‌گردد.

نشریه کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، هرگز بر آن نبوده و نیست که تطبیق‌ها و مقایسه‌های سطحی و بی‌مایه را به‌منظور پُر کردن شماره‌های خود و تمدید مجوز وزارت «عتف»، قصد نماید؛ بلکه در آغاز به بانگ بلند گفته‌ایم: آن مقایسه‌های سطحی و بی‌مایه، ما را که هیچ به مسیر درستی رهنمون نمی‌کند، بلکه به سمت و سوی انحراف و بیراهگی سوق می‌دهد و از چنین ادبیات تطبیقی، هیچ فایده‌ای انتظار نمی‌رود و به‌یقین، آن لذت واقعی از انجام پژوهش، برای تطبیق‌گران نیز محقق نمی‌شود.

در این شماره، هشت مقاله را انتخاب کرده‌ایم:

ترکمانه و ملکی در مقاله «ادبیات تطبیقی و جایگاه آن در آینده مطالعات ادبی» به یکی از مباحث جدی و نوین ادبیات تطبیقی به‌منابۀ دانشی که پیوسته در حال تحول و پویایی است، اشاره کرده‌اند. نتیجه یافته نویسنده‌گان این است که ادبیات تطبیقی مدرن می‌تواند چارچوب مناسبی را برای مطالعه مقایسه‌ای ادبیات با سایر رشته‌ها و علوم فراهم کند.

رحیمی زنگنه و الماسی در مقاله‌ای به بررسی تطبیقی «نمادگرایی در شعر دو شاعر ممتاز و معاصر فارسی و

عربی؛ بهزاد کرمانشاهی و عبدالوهاب البیاتی» پرداخته‌اند. چارچوب نظری پژوهش ایشان براساس مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی است. شایسته است که در این گونه پژوهش‌ها، تنها به بررسی تباہیات و تشابهات پرداخته نشود، بلکه اهتمام به جنبه‌های نقد و زیبایی‌شناسی چنین پژوهش‌هایی از اهمیت و ضرورت زیادی برخوردار است. یافته‌های این پژوهش، نیز بیانگر این است که دلیل اصلی گرایش دو شاعر به رمزگرایی؛ شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر روزگار ایشان بوده است.

شعبانی و نویسندگان همکارش در پژوهشی میان‌رشته‌ای به «بررسی تطبیقی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی تفکر سعدی و فارابی در باب آیین فرمانروایی و حکومت مطلوب» پرداخته‌اند. اگر چنین پژوهش‌هایی براساس چارچوب‌های درست مطالعات میان‌رشته‌ای مطرح شوند، امکان گذر از موضوعات تکراری و سنتی ادبیات به سمت رویکردهای تازه و نوین فراهم می‌شود.

صالح بک و همکارانش نیز به بررسی «مفاهیم گفتمان پسااستعماری در دو رمان شاخص معاصر؛ یعنی موسم هجرت به شمال (طیب صالح) و سووشون (سیمین دانشور)» پرداخته‌اند. بررسی مفهومی اصطلاحات و تعبیرهایی همچون «دیگری»، «فراست و فرودست»، «اروپامحوری»، «نژاد» و «جنسیت» از مفاهیم کلیدی و بنیادین مورد تحلیل نویسندگان در متن دو داستان است.

مقاله «نگارش تاریخ ادبیات تطبیقی فارسی و عربی براساس الگوی انواع ادبی»، نوشته علی‌پور و همکاران به بررسی نظری آن گروه از انواع ادبی پرداخته است که می‌تواند در نگارش تاریخ ادبیات تطبیقی فارسی و عربی سودمند باشد. تفکیک و طبقه‌بندی انواع ادبی، تعریف و چگونگی دسته‌بندی این انواع ادبی از اهداف کلیدی پژوهش است.

بررسی «مفهوم عرفانی کنایه در ترجمه عمر شبلی از دیوان حافظ براساس نظریه آنتوان برمن»، نوشته قربانی و احمدی از دیگر مقالات روشمند این شماره است. بررسی و تحلیل روش ترجمه، میزان موفقیت مترجم، تطبیق ترجمه با مؤلفه‌های سیزده‌گانه نظریه برمن از اهداف اساسی این پژوهش به‌شمار می‌آید.

قبنانی و محسنی‌نیا در پژوهشی روشمند به بررسی تطبیقی «سیر تحولات نمایشنامه‌نویسی تاریخی در ادبیات معاصر مصر و ایران از سال ۱۹۰۶-۱۹۵۳» پرداخته‌اند. تحلیل انگیزه‌ها و مبانی فکری نمایشنامه‌نویسان، بیان تفاوت‌ها و تشابهات منابع فکری نویسندگان، معرفی شخصیت‌های برجسته تاریخی و... از چارچوب‌های اصلی این پژوهش است.

شروه و علوانیه، دو گونه از سبک خوانندگی در فرهنگ عامیانه مردم جنوب ایران (خوزستان و بوشهر) است که جاسم قیم بدان پرداخته است. تحلیل شباهت، تفاوت‌ها و عوامل پیدایش این دو نغمه که ریشه در فرهنگ عامیانه مردم آن سامان دارد، هدف محوری مقاله است.

در بخش پاره‌ها و نکته‌های نشریه نیز که به‌تازگی طرفداران زیادی را به خود اختصاص داده است، دو

بخش «معرفی و نقد کتاب» و «گفتاری گزیده» مطرح شده است؛ نگارنده (زینی‌وند) در بخش معرفی و نقد کتاب به معرفی کتاب *الدراسات الأدبیه المقارنه فی العالم العربی* اثر دکتر علی عشری زاید، پژوهشگر ممتاز دانشگاه قاهره پرداخته است که از آثار مطرح و مدرن این دانش در کشور مصر به شمار می‌آید. سبزیان‌پور و احمدی نیز در گفتاری کوتاه به موضوع تأثیرگذاری الفاظ و مفاهیم قرآنی در شعر حافظ پرداخته‌اند. بیان تأثیرپذیری مستقیم شاعر از لفظ و محتوای آیات قرآنی و نیز در مواردی دخل و تصرف حافظ در جریان تأثیرپذیری از محورهای این اشارت گذراست. امیدواریم، نشریه کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی بتواند پنجره‌ای روشن و ماندگار به سوی تعاملات فرهنگی ایران و جهان عرب، بگشاید که «گاهی گمان نمی‌کنی ولی خوب می‌شود».

الله ولیّ التوفیق والسّداد

تورج زینی‌وند

## منابع

۱. انوشیروانی، علیرضا (۱۳۹۳). فراز و نشیب‌های ادبیات تطبیقی در جهان (سرمقاله). *ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، (۹)، ۳-۸.
۲. باسنت، سوزان (۱۳۹۳). چگونگی پیدایش ادبیات تطبیقی. ترجمه سعید رفیعی خضری. *ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، (۹)، ۳۵-۹.